

فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام (علمی - پژوهشی)
سال پنجم، شماره (۲۰)، زمستان ۱۳۹۵

نقض کرامت و حقوق شهروندی و ظهور جنبش‌های انقلابی؛ مورد مطالعه پیدایش بیداری اسلامی در خاورمیانه

صغری صالحی*

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

حاکم قاسمی

دانشیار دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

چکیده

انسان به صورت ذاتی، خود را دارای کرامت می‌شناسد و احترام دیگران نسبت به خود را طلب می‌کند. حفظ کرامت انسان به عنوان حق طبیعی، مبنای وضع حقوق و قوانین بشری از جمله؛ اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار گرفته است. این حق جزو مطالبات انسان‌ها بوده و نادیده گرفتن آن موجب اعتراض شده است. از این رو نقشی بنیادین در تحولات اجتماعی دارد. با توجه به اینکه در کشورهای عربی خاورمیانه، نقض حقوق شهروندی و کرامت انسانی به طور گسترده صورت گرفته، پرسش این است که نقض کرامت انسانی، در خیزش اسلامی و مردمی کشورهای منطقه چه نقش و تأثیری داشته است؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ نقض کرامت انسانی و مصادیق ارزشی آن (عقلانیت، آزادی خواهی، عدالت محوری، امنیت، حق مالکیت، شاکر بودن و تحول‌گرایی)، تأثیر اساسی در شکل‌گیری جنبش‌های منطقه داشته و یکی از ریشه‌های اصلی این جنبش‌ها به شمار می‌رود.

این نوشتار به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از نظر خبرگان، اصول کرامت انسانی در اندیشه اسلامی را بررسی و اثرهای نقض این مبانی را در پیدایش بیداری اسلامی در منطقه تبیین می‌کند.

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، کرامت انسانی، حقوق بشر، جهان اسلام، خاورمیانه

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۹/۱۷

ایمیل نویسنده عهده‌دار مکاتبات: salehi@ricac.ac.ir

۱. مقدمه

معنا و منشأ کرامت در نظر اندیشمندان متفاوت است. در برخی اندیشه‌ها، تنها ابعاد انسانی و اخلاقی و در برخی دیدگاه‌ها ابعاد دینی مد نظر است؛ اما در زیرساخت‌های اصل کرامت مانند؛ عقلانیت، آزادی، عدالت، امنیت و غیره اتفاق نظر وجود دارد. کرامت همه ابعاد فردی، اجتماعی و معنوی انسان را در برمی‌گیرد. باور به این اصل، منشأ عزت نفس و شجاعت ملت‌هاست و ملت‌های مسلمان با تکیه بر کرامت انسانی و زیرساخت‌های آن، می‌توانند تمدن اسلامی را احیا کنند. در میان عوامل مؤثر در تحکیم یا تضعیف ارتباط میان ملت‌ها و حکومت‌ها، توجه به کرامت انسانی ملت‌ها تأثیر عمیقی دارد. در جوامعی که کرامت انسانی حفظ و از آن دفاع می‌شود، روابط مردم با حکومت محکم می‌شود اما در جوامعی که کرامت انسانی نادیده انگاشته و نقض می‌شود، این روابط به سستی می‌گراید. بنابراین در طول تاریخ، نقض کرامت انسانی زمینه خیزش مردم و در نتیجه سقوط حکومت‌ها را فراهم کرده است. برای جنبش‌های ملل مسلمان بویژه تحولات اخیر خاورمیانه، علل گوناگون سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی مانند؛ تهاجم گسترده غرب، استبداد و انحطاط اجتماعی، رکود فکری، غرب‌زدگی، بحران هویت و... را برشمرده‌اند اما همه این عوامل با نقض کرامت انسان‌ها قابل تبیین است؛ به عبارت دیگر؛ ریشه اصلی جنبش‌ها و اعتراضات مردمی را می‌توان ناشی از نادیده انگاشتن کرامت انسانی و شاخص‌های آن تحلیل کرد. همانطور که مبارزه منادیان رویکرد بیداری اسلامی مانند؛ امام خمینی (ره)، علامه اقبال، استاد حسن البنا و سیدقطب نیز بازگشت به الگوی‌های نظام حکومتی اسلامی بود که مبتنی بر کرامت انسانی است.

در آثار اندیشمندان گذشته و حال نیز هویت اسلامی و کرامت انسانی را عامل خیزش مسلمانان در برابر شرق و غرب دانسته‌اند. شهید مطهری (۱۳۷۷: ۲۵) می‌نویسد: «مسلمانان پس از یک دوره فروختگی و از هم‌پاشیدگی ذهنی، بار دیگر در جستجوی هویت اسلامی خویش در برابر غرب سرمایه‌داری و شرق کمونیستی برآمدند. رهبر معظم انقلاب (بیانات ۱۳۹۰/۴/۹) نیز یکی از علل عمده قیام ملت‌های منطقه را احساس سرخوردگی و تحقیری می‌داند که از سوی استعمارگران و حکومت‌های دست‌نشانده بر آن‌ها تحمیل شده است. ساموئل هانتینگتون، شرق‌شناس غربی و واضع نظریه جنگ تمدن‌ها با توجه به تأکیدی که بر نقش عوامل فرهنگی و تمدنی در تحولات و منازعات بین‌المللی دارد، معتقد است که اسلام‌گرایی مردم خاورمیانه و شمال آفریقا به‌علت ناخرسندی مسلمانان از تهاجم و سلطه بی‌رحمانه فرهنگی بر این کشورها است. (اسدی، ۱۳۹۰: ۴۷-۴۶).

پرسشی که این مقاله درصدد پاسخگویی به آن است، اینکه نقض کرامت انسانی چه نقش و تأثیری در پیدایش بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه داشته؟ و چرا نقض کرامت انسانی به پیدایش بیداری اسلامی ملل منطقه منجر شده است؟

بررسی تحولات منطقه نشان می‌دهد؛ نقض کرامت انسانی که موجب احساس تحقیر، تبعیض و نارضایتی را فراهم می‌آورد، علت‌العلل پیدایش جنبش‌های ملل منطقه به‌شمار می‌رود. در

این مقاله با روش تحلیلی- توصیفی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نظر خبرگان، تلاش می‌شود، تأثیرات نقض کرامت انسانی بر پیدایش جنبش‌ها و بیداری اسلامی تبیین شود.

۲. چارچوب نظری: امنیت هستی‌شناختی

امنیت هستی‌شناختی، امنیت فیزیکی نیست بلکه امنیت «بودن و خود» است؛ به بیان دیگر، امنیت هستی‌شناختی، امنیت هویتی فرد است؛ افراد برای کسب این نوع امنیت و همچنین شکل‌گیری اجتماع، نیاز به تعریف هویت خویش دارند. (Mitzen, 2006: 272) نظریه امنیت هستی‌شناختی برگرفته از نظریه «وجود انسانی» آنتونی گیدنز در سطح فردی است. گیدنز، امنیت هستی‌شناختی را به صورت نیاز اولیه افراد به «احساس نوعی تداوم و نظم در حوادث از جمله؛ آن‌هایی که به طور مستقیم در محیط ادراکی فرد قرار ندارند، تعریف می‌کند. وی، ایمن بودن از نظر هستی‌شناسی را در اختیار داشتن پاسخ‌هایی در سطح ناخودآگاه و خودآگاه عملی برای پرسش‌های وجودی بنیادی می‌داند که همه انسان‌ها در طول زندگی خود به نحوی با آن سر و کار داشته‌اند. (گیدنز، ۱۳۸۵: ۷۵) «امنیت هستی‌شناختی، به فرد اجازه می‌دهد تا امید و شهامت خود را برابر تهدیدات و هر نوع شرایط مخرب و تضعیف‌کننده‌ای که شاید در آینده با آن روبه‌رو شود، حفظ کند» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۶). براین اساس، هویت در حوزه تهدید قرار می‌گیرد یعنی؛ هنگامی که ناامنی هستی‌شناختی افراد افزایش می‌یابد، آن‌ها تلاش می‌کنند تا فرد بودن را امنیتی کنند که به معنای تشدید جستجو برای کسب هویت با ثبات فارغ از وجود واقعی و عملی آن است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۷) از سوی دیگر، فهم گستره هویت و منابع متعدد آن، جامعیت نظری و قدرت توجیهی نظریه امنیت هستی‌شناختی را بیشتر مطرح می‌کند؛ زیرا هویت مفهومی چندبعدی و چندسطحی است؛ به گونه‌ای که حتی هویت شخصی یک فرد نمی‌تواند فارغ از تأثیرات حوزه سیاست باشد و سیاست‌های کلان نیز هویت‌های فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. (قهرمان‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۶) بنابر نظر گیدنز، زمانیکه شخص هستی و گفتمان خود را در خطر می‌بیند، دچار اضطراب می‌شود. این اضطراب در لحظه‌های سرنوشت‌ساز، می‌تواند سبب برخی کنش‌های براندازانه شود. گیدنز با بررسی لحظه‌های سرنوشت‌ساز به عنوان بستر زمانی برای بازگشت عناصر سرکوب شده، معتقد است که با این بازگشت و بازیابی معناها و نمادها، اشکال تازه‌ای از تمایلات معنوی و حساسیت‌های مذهبی نیز احیا می‌شوند. در نهایت وی کشف هویت شخصی را نیروی سیاسی آشوب‌زا می‌داند که بسیار پر قدرت بوده و در بستر اشکال تازه جنبش‌های اجتماعی که نشان‌دهنده کوشش جمعی برای دستیابی و احیای بعضی از حوزه‌های سرکوب شده زندگی است، به مقابله با «دگر» هویتی می‌پردازد. (گیدنز، ۱۳۸۵: ۲۸۹-۲۸۳) علاوه بر افراد، کلیه کنشگران اجتماعی از جمله؛ کشورها نیز به دنبال تأمین امنیت هستی‌شناختی یا «امنیت هویتی» خویش هستند؛ بدین صورت که کشورها هم در صدد تأمین امنیت فیزیکی و مادی سرزمین و نیز ساختار حکمرانی خود هستند و هم امنیت هویت خویش را به عنوان یک بازیگر متحد حقوقی جستجو می‌کنند که منشأ ارجحیت‌ها و منافع پایدار آن‌ها

است. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۸) در عرصه کنش دولت‌ها، مفهوم شرم و عزت که با امنیت هستی‌شناختی گره خورده‌اند، مطرح می‌شوند. در سطح دولت‌ها، مفهوم شرم به نگرانی دولت درباره توانایی منطبق‌سازی اقدامات خود با روایتی که برای توجیه رفتار خویش بکار می‌گیرد، باز می‌گردد. در واقع، شرم به معنای احساس ناامنی نسبت به مسائل هویتی است. بررسی جایگاه کنش ناشی از «عزت» نیز یکی از روش‌های جالب توجه برای ملاحظه تعارض میان نفع شخصی یا عقلی و نیز نفع جمعی یا اخلاقی در نظریه اجتماعی است؛ یعنی کنش‌های ناشی از عزت می‌توانند یا عقلی و معطوف به خود و یا اخلاقی و معطوف به جمع باشند. به‌زعم برخی، عزت می‌تواند امتداد غرور فردی تلقی شود و در خدمت نفع یک کارگزار قرار گیرد؛ یعنی کارگزار با اقدام «عزتمندانه»، شهرت یا اعتباری کسب کند که می‌تواند آن را به‌عنوان سرمایه‌ای که بقای خود را یا تأمین منافع خویش تضمین سازد، خرج کند. (استیل، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۵)

بنابر نظریه امنیت هستی‌شناختی، اگر عزت افراد در سطحی گسترده از سوی دولت‌ها مورد خدشه قرار گیرد، ممکن است مردم برای باسازی آن به اقدام انقلابی روی آورند. بنابراین، آنچه موجب برانگیختگی افراد و گروه‌های سیاسی برای مبارزه و تحول انقلابی در منطقه خاورمیانه می‌شود، فقط دموکراسی‌خواهی و شکایت از نابرابری‌های اقتصادی نیست بلکه تلاش برای بدست آوردن شرافت فردی و جمعی است. (وهاب‌پور و نقدی، ۱۳۹۰: ۸) حتی تأکید بر اصول دموکراتیک نیز ناشی از این برداشت است که بدست آوردن آن می‌تواند به دستیابی کرامت انسانی و شرافت فردی و جمعی منتهی شود. این نظریه در بررسی رفتار استشهادی‌ها در سرزمین‌های اشغالی فلسطین بکار گرفته شده است؛ یعنی فلسطینی‌ها به‌دلیل زیر سؤال رفتن عزت آن‌ها و نیز برای جلوگیری از بازتولید مفهوم ذلت و تلقی دیگران از آن‌ها به‌عنوان افرادی ذلیل، به اقداماتی روی می‌آورند که امنیت فیزیکی آن‌ها را از بین می‌برد اما امنیت هستی‌شناختی و هویتشان را تأمین می‌کند. (لوئیس، ۱۳۸۴: ۲۲۳) بنابر این نظریه، افراد به جای تمرکز بر رویکردهای اقتصادی و تأمین نیازهای اولیه زندگی، به بازسازی نیازهایی می‌پردازند که هویت آن‌ها را زیر سؤال می‌برد. با مینا قرار دادن نظریه «امنیت هستی‌شناختی»، می‌توان علت اصلی خیزش‌های منطقه خاورمیانه را به‌صورت بنیادین با مفاهیم هویت، عزت و کرامت انسانی مرتبط دانست و به خطر افتادن زیرساخت‌های عزت و کرامت مردم را عوامل اصلی بروز جنبش‌های انقلابی در منطقه معرفی کرد.

۳. کرامت انسانی

در زبان عربی، هر صفت شایسته‌ای «کرم» است. در تفسیر اسم «کریم»، آن را به شرافت ذاتی و بخشش بی‌عوض تفسیر کرده‌اند. در زبان فارسی برای آن معادل‌های گوناگونی مانند: «ارزش، بزرگواری، عزت، انسانیت، شأن، رتبه، منزلت و جوانمردی بیان شده است» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱/۱۶۰۷۰). بنابراین کرامت، اسمی برای بزرگ‌منشی است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۵۱۲) و کرامت انسانی به‌معنای بزرگ‌منشی، حرمت و بلندمرتبتگی انسان است؛ شأنی که با آن هر

انسانی عزت می‌یابد و خود را موجودی عزیز، ارزشمند و قابل احترام می‌شمارد. کرامت، بیانگر دو نوع ویژگی اکتسابی و ذاتی در وجود انسان است؛ بدین معنا که کرامت انسانی، شأنی والا است که از یکسو خداوند آن را به‌طور ذاتی در وجود آدمی به ودیعه نهاده و از سوی دیگر، آدمی می‌تواند با توجه به توان خویش، فضیلت‌های والا را کسب کند. (جوادی‌آملی، ۱۳۶۶: ۱۷-۲۴)

ویژگی‌های اکتسابی، جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی افراد را بیان می‌کند. اما ویژگی‌های ذاتی مانند انسانیت، جزو ذات انسان بوده و قابل سلب نیست. کرامت انسانی بر مبنای شاخص‌هایی همچون آزادی، شکرگزاری، تحول‌گرایی، عقلانیت، عدالت‌محوری و حق مالکیت ظهور می‌یابد.

۴. اهمیت و توجه به کرامت انسان

از دیدگاه اسلام، انسان دارای کرامت و وجودی ارزشمندی است و برای اثبات آن براساس آیات قرآن، سه وجه تحلیلی می‌توان برشمرد:

۱. قرآن اعلام کرده که انسان کریم است: «و لقد کرمنا بنی آدم» (اسراء/۷۰)
۲. خداوند به‌خاطر آفرینش انسان، خود را احسن الخالقین معرفی کرده است: «فتبارک الله احسن الخالقین» (مومنون/۱۴). بر این اساس، بهترین خالق با خلق موجودی کریم و باارزش معنا می‌یابد.

۳. بر اساس آیه «نفخت فیهِ من روحی» (حجر/۲۹)، انسان متخلق به صفات الهی است تا شایستگی جانشینی بر روی زمین را داشته باشد: «انّی جاعل فی الارض خلیفه» (بقره/۳۰) از این رو، عدم برخورداری از معیارهای کرامت مانند؛ عقلانیت، اراده، آزادی، امنیت و ... با وعده خلافت بر روی زمین منافات دارد.

در تنظیم «قانون اساسی» جمهوری اسلامی ایران نیز شأن و کرامت ذاتی انسان مورد توجه قرار گرفته و همه افراد از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. (اصل ۲۰)

در اسناد مربوط به حقوق بشر، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون چهارگانه ژنو و حقوق بشر دوستانه نیز به موضوع کرامت انسانی اشاره شده است. برای مثال؛ ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌گوید: تمام انسان‌ها آزاد متولد شده‌اند و در کرامت انسانی و بهره‌مندی از حقوق با یکدیگر مساوی هستند. در مقدمه کنوانسیون منع شکنجه نیز آمده است؛ تمامی حقوق اساسی انسان، از کرامت او ناشی می‌شود و همین کرامت و وجودی، موجب به رسمیت شناختن چنین حقوقی برای انسان است. علاوه بر این، بسیاری از اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر مبتنی بر زیرساخت‌های حفظ کرامت انسانی نیز می‌باشد. از جمله؛ حق حیات (ماده ۳ اعلامیه)، لغو شکنجه و رفتار برخلاف شئون بشری (ماده ۵)، لغو تبعیض (مواد ۲ و ۷)، رعایت حریم خصوصی افراد (ماده ۱۲)، آزادی

انتخاب (مواد ۱۳، ۱۴، ۱۵) حق شرکت در اداره امور سیاسی کشور (بند اول ماده ۲۱)، حق امنیت شخصی و اجتماعی (مواد ۳ و ۲۲) حمایت از شرافت و اعتبار افراد (ماده ۱۲) امام خمینی (۱۳۷۶: ۴۴-۴۷) نیز می‌فرمایند: برای تحقق هدف‌های عالی اسلام، خصال نیکو همچون عقل و تدبیر، عدالت، دوری از گناه و نظایر آن‌ها لازم است که به یک تعبیر، سخن از کرامت انسان است.

بنابراین میان نظر اسلام و اعلامیه حقوق بشر در زیرساخت‌های کرامت انسانی مانند؛ تأمین امنیت، برخورداری از حقوق عادلانه فردی، اجتماعی، سیاسی و... همسویی وجود دارد و همه حقوق بشر را مبتنی بر اصل کرامت انسان می‌دانند. از این رو، حفظ کرامت انسان‌ها از جمله وظایف حکومت‌ها است و اگر در حکومتی به کرامت انسان و مؤلفه‌های آن توجه نشود، زمینه اعتراض به آن حکومت فراهم می‌شود.

۵. شاخص‌های کرامت انسانی

بررسی آثار نشان می‌دهد؛ مهم‌ترین عوامل و زیرساخت‌های کرامت‌بخش که موجب کرامت انسانی است، عبارتند از:

۵-۱. عقلانیت

واژه عقل در کتاب‌های لغت به معانی مختلفی همچون نهی، حبس، شعور ذاتی، فهم و علم به کار رفته است. (معین، ۱۳۷۷: ۲۲۹۰) مفهوم عام عقل همان خودآگاهی است که بر تمامی ارکان ادراکی مانند حواس، تفکر، حافظه و... احاطه و نقش روشنگری دارد. عقل انسان، امری فطری است و برای اثبات یا بهره بردن از آن نیاز به استدلال نیست؛ چنانچه در قرآن کریم نیز آمده، همه انسان‌ها از نیروی عقل برخوردار هستند اما به علت کوردلی نمی‌توانند از آن بهره‌مند شوند: «فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا... وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (حج: ۴۶) عقل در متون تخصصی مانند فلسفه، عرفان و دین دارای معانی گوناگونی است. برخی معانی مربوط به هستی‌شناسی است. فلاسفه می‌گویند: «صادر اول عقل است». (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۶۵۴) و روایات نیز مؤید آن است: «اول ما خلق الله العقل» (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۹۷) برخی از معانی دیگر مربوط به شناخت‌شناسی است که شامل عقل نظری و عملی است؛ چنانچه ابن‌سینا (۱۳۵۹: ۱۸۴) در ویژگی عقل می‌گوید: ویژگی بارز انسان، تصور معانی کلی عقلی است که به نحو کامل از ماده مجرد شده‌اند و این نیروی نظری است که با جنبه‌ای که فراز اوست، پیوند یافته و بهره می‌گیرد. پس نفس رویی به سوی تن و رویی به سوی مبادی عالی دارد که از جهت فرودین آن، اخلاق و از لحاظ فرازین آن، شناخت‌ها و دانش‌ها پدید می‌آیند.

بنابراین، صرف‌نظر از معنای کلی و جزئی عقل، این نیروی الهی مبدأ عقل‌گرایی انسان و در نتیجه کرامت‌بخش وجود اوست؛ زیرا که در اندیشه اسلامی، عقل دارای منزلت والا و اساس آفرینش به‌شمار می‌رود. (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۹۷-۹۶) همچنین عقل، حجت پنهان

خداوند بر مردم دانسته شده است. (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۱/۶۷) لذا این حجت بزرگ خدا از حجت بیرونی (پیامبران و امامان) برتر است؛ زیرا آن‌ها نیز با عقل مورد پذیرش قرار می‌گیرند. برخی مفسران، آیه تکریم (اسراء: ۷۰) را به اعطای عقل به انسان تفسیر کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۱۵۶) طبق مفاد برخی از روایات معصومین (ع) نیز خداوند پس از آفریدن عقل به او می‌فرماید: «کرمُک علی جمیع خلقی». (کلینی، ۱۳۹۰، ج ۱/۵۲)

بنابراین، وجود عقل در انسان جنبه کرامت‌بخشی دارد؛ زیرا به واسطه همین عقل، انسان اشرف مخلوقات به‌شمار می‌رود. همچنین عقل از نور خدا گرفته شده است: «نفخت فیهِ من روحی» (حجر: ۲۹) و خدا کریم است و انسان نیز مظهري از خدای کریم است.

ویژگی‌های ادراکی انسان نیز که توسط عقل انجام می‌شود، دال بر کرامت وجودی انسان است؛ بدین‌صورت که انسان به وسیله عقل نظری، بودها، نبودها، هست‌ها و نیست‌هایی را که مربوط به طبیعیات، ریاضیات و الهیات (حکمت نظری) هستند، درک می‌کند. از طریق عقل عملی نیز باید‌ها و نباید‌ها درک و رفتار آدمی کنترل می‌شود. (جوادی‌آملی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۱۵۳) بنابراین، عقلانیت مبنای اصلی کرامت ذاتی و ارزشی انسان به‌شمار می‌رود؛ زیرا با عقل نظری و عملی مسیر تکامل را طی می‌کند.

از نظر قرآن انسان کریم، انسانی است که اهل تفکر، تدبیر و پویایی اندیشه باشد و توانایی تشخیص حق از باطل و گزینش احسن را داشته باشد. (زمر: ۱۷-۱۸) مطابق این معیار، جامعه صاحب کرامت نیز جامعه‌ای است که ویژگی اصلی آن عقل‌گرایی و نوآوری باشد و هرچه این ملاک‌ها بیشتر باشد، افراد آن جامعه نیز مستحق کرامت و احترام بیشتر هستند؛ زیرا پویایی اندیشه موجب به‌وجود آمدن علوم و فنون، نظام‌مند کردن امور خود و جامعه، تدبیر در اداره اجتماع و دخل و تصرف در طبیعت برای منافع خود و دیگران خواهد بود. در مقابل، نقض کرامت انسانی، نقض عقلانیت انسان را به‌دنبال دارد؛ یعنی توجه نکردن به کرامت انسان‌ها، در واقع نادیده گرفتن عقلانیت انسان‌هاست. در ماده یک اعلامیه جهانی حقوق نیز می‌توان کرامت‌بخشی عقل انسان را دریافت؛ در این ماده آمده است: «همه افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همگی دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند».

۲-۵. شاکر بودن

اعتراف به نعمت و یادآوری آن، به‌کار بردن درست نعمت‌ها در جهت شکوفایی استعدادها، اسراف نکردن بویژه در منابع خدادادی از مصادیق شکر کردن است. (صانعی‌پور، ۱۳۷۶: ۳۴)

بنابراین، چنین انسانی کریم است. قرآن کریم به این مسأله اشاره می‌کند: «و اَنَا هَدَّيْنَاهُ اِمَّا شَاكِرًا و اِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) در آیه دیگر نیز تصریح شده است؛ سود سپاسگزاری کردن، برای خود انسان است و خداوند بی‌نیاز است: «وَمِنْ شُكْرِ فَاِذَا مَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ... فَاِنْ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ» (نمل: ۴۰). براساس این آیه، شکرگزاری، فرصت سودرسانی و کرامت‌بخشی خداوند به انسان است. در مقابل، ناسپاسی زمینه نقض کرامت انسانی را فراهم می‌کند.

۳-۵. تحول‌گرایی

تحول‌گرایی، نیز از شاخص‌های مؤثر در بهره‌مندی انسان از کرامت است. تحول از درون انسان ناشی می‌شود و هنگامیکه با عناصر طبیعی آمیخته شود، ساختار جدیدی را به وجود می‌آورد. اگرچه کرامت ذاتی، فطری است و بالقوه در انسان وجود دارد اما زمینه‌های به فعلیت رسیدن آن و همچنین کرامت ارزشی انسان، اکتسابی است. از این‌رو، چنانچه این قوه در مسیر هدایت الهی قرار نگیرد و در جهت تحول به‌کار برده نشود، به تدریج انسان را به سوی تنبلی و سستی سوق خواهد داد. از سوی دیگر رکود و عدم تحول در جهت رشد و تعالی، از کرامت وجودی و ارزشی انسان می‌کاهد. (صانعی‌پور، ۱۳۷۶: ۳۴)

۴-۵. آزادی‌خواهی

آزادی و حق انتخاب از امتیازات انسان نسبت به سایر موجودات است؛ یعنی انسان به‌طور فطری آزاد آفریده شده است. حضرت علی (ع) (۱۳۸۴: ۵۲۴) می‌فرماید: «بنده دیگری نباش که خداوند تو را آزاد آفریده است» در آیات قرآن نیز معیار ارزش‌گذاری‌ها، افعال اختیاری انسان معرفی شده است (انسان: ۳) و سلب اختیار خلاف مشیت الهی است (یونس: ۹۸) و از پیروی کورکورانه نهی شده است. (اسراء: ۳۶)

از نظر اندیشمندان، آزادی بدون عصیان، رکود و اسارت است و همچنین بدون تسلیم و اصولی بودن، هرج و مرج است. (یزدی، ۱۳۷۹: ۳۲) ملاصدرا (۱۳۶۸، ج ۹: ۱۱۶-۱۱۷) نیز همه فضایل را به حکمت (عقلانیت) و حریت (آزادی و آزادگی) می‌داند. بنابراین، تقلید در مقابل عقلانیت و تعصب در برابر آزادی، دو مانع برای محرومیت انسان از سعادت است.

از این‌رو، آزادی یکی دیگر از ارزش‌های معنوی است که در کمال‌خواهی، هویت‌سازی و در سنجش کرامت انسان نقش بسزایی دارد؛ زیرا انسان آزاد، کریم است و حاضر است محدودیت‌ها را به جان بخرد ولی در اسارت دیگران نباشد. (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۰-۴۸)

آزادی در فطرت انسان نهفته و از ابتدایی‌ترین حقوق انسانی است. چنانچه امروزه، آزادی و بویژه آزادی سیاسی و اجتماعی، از مهم‌ترین مباحث دنیا است. آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در جوامع به نگرش فرد یا نظام سیاسی به انسان ارتباط دارد؛ بدین معنا که اگر شکوفایی خلاقیت‌های انسان در بستر اختیار و آزادی لحاظ شود، به مراتب حدود و نفوذ آزادی او در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی نیز گسترده خواهد شد و هرچه این نگرش به انسان محدودتر باشد، به همان نسبت از حیطه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و در نتیجه کرامت ارزشی او کاسته می‌شود.

۵-۵. عدالت‌محوری

معنای لغوی عدالت عبارت است از: دادگر بودن، انصاف داشتن، دادگری در اجتماع و عدالتی که همه افراد جامعه از آن برخوردار باشند. (فرهنگ معین، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۲۷۹) موزون بودن و نفی هرگونه تبعیض و رعایت تساوی در استحقاق‌های متساوی، از دیگر معناهای عدل است. (مطهری، ۱۳۹۳: ۵۷-۵۴)

بنابراین عدالت به معنای قرار دادن هر امری در جای خود، احقاق حقوق، اصلاح امور، انصاف، تقوا، رسیدگی به مردم، مبارزه با ستم و برابری، همه حوزه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود و نقش مهمی در حرکت جامعه بشری به سوی تکامل دارد. از این‌رو، اجرای آن در جامعه اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چنانچه قرآن نیز برپایی عدل و قسط در میان مردم را به‌عنوان هدف بعثت پیامبران و فرود آمدن کتاب آسمانی و میزان الهی معرفی کرده است. (حدید: ۲۵)

اندیشمندان اسلامی نیز برای عدالت جایگاه برجسته‌ای قائلند؛ رهبر معظم انقلاب (بیانات ۱۳۸۷ / ۴ / ۶) عدالت را خواسته طبیعی و دیرینه همه انسان‌ها در طول تاریخ بشریت مطرح کرده است.

در بیانیه‌های حقوق کشورهای اسلامی از جمله «بیانیه حقوق بشر اسلامی در قاهره» نیز بر آزادی در تصمیم‌گیری، حاکمیت قانون، برپایی برابری و دادگری برای همه تأکید داشته و در برابر بردگی، ستم و بهره‌کشی موضع می‌گیرد.

بنابراین، عدالت مانند سایر شاخص‌های کرامت انسانی، یک نیاز فطری است و برقراری انواع مختلف عدالت در جامعه، رابطه مستقیمی با حفظ کرامت انسان دارد؛ زیرا از بین بردن فقر، استبداد، تبعیض و یکسان‌سازی فرصت‌ها و نیز جلوگیری از انبوه سرمایه در دست یک قشر خاص، از جمله مصادیق و ظرفیت‌های کرامت‌بخش عدالت است.

۶-۵. امنیت

کلمه امنیت از ریشه «امن» و به معنی در آسایش بودن، مصونیت از خطر، ترس و آرامش خاطر است. در آیه ۲۸۳ سوره بقره، امنیت به معنای خاطر جمع بودن به کار رفته است. (قرشی، ۱۳۶۱: ۱۲۳)

امنیت به معنی حفاظت افراد، جامعه و کشور در برابر ترس، اضطراب و تهدیدهای داخلی و خارجی است. همچنین مصون ماندن عقاید، ناموس، مال، شغل و آبروی افراد و جامعه از هر نوع تهدید است. (آشوری، ۱۳۹۴: ۳۸) امنیت دارای وجوه مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، شغلی، ملی، قضایی و محیط زیست است.

حضرت علی (ع) در اهمیت امنیت فرموده‌اند: بدون امنیت رفاه و خوشی وجود نخواهد داشت. (تمیمی‌آمدی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۱۰۰)

از اهداف مهم تشکیل حکومت و وضع قوانین در جامعه نیز ایجاد امنیت است. مردم یک جامعه نیز کمترین انتظارشان از حاکمیت، ایجاد امنیت است؛ زیرا فرد با استفاده از وضعیت امن، زندگی عادی و آرامی می‌تواند داشته باشد.

امنیت مانند سایر مصادیق کرامت انسانی یک موهبت الهی و فطری است. بنابراین، نبود امنیت با اصل کرامت انسان منافات دارد؛ زیرا وجوه مختلف امنیت فردی، شغلی، مالی و... برای حفظ ارزش و کرامت وجودی انسان است.

۵-۷. حق مالکیت

حق مالکیت، جزو حقوق اساسی بشر است و هیچ‌کس اجازه دست‌درازی به آن را ندارد. این حق در همه ابعاد حقوقی و حقیقی به رسمیت شناخته شده است؛ مانند ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر (بازبینی شده در ۱۰ دسامبر ۲۰۱۴) که به این حق اشاره دارد؛ هر انسانی به تنهایی یا با شراکت دیگران، حق مالکیت دارد و هیچ‌کس را نباید خودسرانه از حق مالکیت خویش محروم کرد.

در آموزه‌های اسلامی نیز حق مالکیت تأیید شده است؛ اصولی مانند: «الناس مسلطون علی أموالهم» و «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام» (توکل، ۱۳۸۱: ۴۱) حق مالکیت افراد را تبیین و به رعایت آن توصیه می‌کند. بنابراین، هرکس مالک حاصل کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند نتیجه و امکان کسب و کار را از دیگران سلب کند. بر این اساس، حق مالکیت نیز مانند سایر مؤلفه‌های کرامت، اعتبار و جایگاه ویژه‌ای به انسان می‌بخشد.

۶. شاخص‌ها و مؤلفه‌های کرامت از منظر خبرگان

علاوه بر مطالعه و بررسی آثار و استخراج شاخص‌ها و مؤلفه‌های کرامت انسان، پرس‌وجو از خبرگان و صاحب‌نظران نیز حاکی از آن است که عقلانیت، شاکر بودن، تحول‌گرایی، آزادی‌خواهی، عدالت‌محوری، امنیت و برخورداری از حق مالکیت از مؤلفه‌های کرامت‌بخش انسان و شاخصه کرامت هستند. در پرسشنامه‌ای که در این خصوص میان صاحب‌نظران موضوع، توزیع شد، پاسخ‌ها به شرح جدول شماره ۱ بود.

جدول شماره ۱: عناصر کرامت‌بخش از منظر خبرگان

میزان		متغیر		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
				درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
	ویژگی عقل و عاقل بودن نوع بشر موجب کرامت و عزت انسان شده است.												
۱	۳۵٪	۲	۱۰٪	۳	۱۰٪	۱۸	۷۴٪	۹	۳۳٪				
	ویژگی شاکر بودن و قدرشناسی نوع بشر موجب کرامت و عزت انسان می‌شود.												
۱	۷۵٪	۲	۱۰٪	۳	۱۰٪	۱۸	۷۴٪	۳	۱۰٪				
	تحول‌گرایی و میل به تکامل و ارتقا از حقوق نوع بشر و موجب کرامت و عزت انسان است.												
۱	۷۱٪	۲	۷٪	۷	۲۵٪	۱۴	۵۰٪	۵	۱۷٪				

۵۷۸۳	۱۱	۲۹۲۹	۱۱	۷۸۳۱	۳	۷۵۶	۱	ویژگی آزادی خواهی نوع بشر موجب کرامت و عزت انسان شده است
۵۷۸۳	۱۱	۳۳۶۳	۱۱	۱۸۰۱	۲			ویژگی عدالت طلبی انسان موجب کرامت و عزت انسان شده است.
۳۱۸۵	۱۱	۵۵	۷	۱۸۰۱	۲	۷۱۵	۲	امنیت از حقوق اولیه نوع بشر و موجب کرامت و عزت انسان است.
۵۱۰	۲	۳۱۸۵	۱۱	۱۸۰۵	۱۰			حق مالکیت از حقوق اولیه نوع بشر و حفظ آن برای افراد موجب کرامت و عزت انسان می شود.
۷۵۰۵	۵۱	۳۱۸۱	۵	۷۸۳۱	۳			نقض شاخص هایی که موجب کرامت می شود موجب نقض کرامت انسان ها می شود

۷. بیداری اسلامی

۷-۱. تعریف و فرایند ظهور و گسترش بیداری اسلامی

بیداری به معنای زندگی و فعال شدن آگاهی است. واژه اسلامی به مفهوم پیروی از آموزه های اسلامی است؛ در نتیجه بیداری اسلامی زندگی دوباره در پرتو اسلام است که در پناه آن، استقلال، عدالت و ارزش های متعالی زنده می شوند. (شیرودی، ۱۳۸۸: ۴-۵) بیداری اسلامی تحولی است حاصل دمیدن آگاهی در کالبد به خواب رفته انسان ها و جامعه، به منظور حرکت ارادی و آگاهانه آنها در مسیر کمالات فطری خویش در چارچوب نظام اسلامی که نتیجه آن، شناخت هویت مسلمانی و بازگشت به هویت جمعی واحد خویش است. (خواججه سروی، ۱۳۹۱: ۹۸) بیداری اسلامی برای بیان جنبشی مبتنی بر اصول رهایی بخش اسلام، عمل سیاسی برای تغییر شرایط موجود، رسیدن به وضعیت مطلوب و بر بنیاد اسلام خواهی شکل گرفته و هدف آن نوعی نظام سیاسی است که برآمده از مبانی معرفتی اصیل دینی باشد. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۹) در این مقاله مراد از بیداری اسلامی، جنبش های منطقه خاورمیانه است که در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ از تونس آغاز شد، به سایر کشورها گسترش یافت

و موجب سقوط بن علی در تونس، مبارک در مصر، قذافی در لیبی و علی عبدالله صالح در یمن گردید و دیگر کشورهای منطقه را دچار تحولاتی عظیم ساخت. اسلام‌خواهی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌خواهی، مردمی‌بودن، آزادی و استقلال‌طلبی، بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی از جمله شاخص‌های جنبش اسلامی منطقه خاورمیانه است که به نمود آن‌ها در راهپیمایی‌ها، شعارها، در دست داشتن قرآن، شکل‌گیری تظاهرات گسترده ضد دیکتاتورها پس از نماز جمعه، درخواست مبارزه با اسرائیل به‌عنوان دشمن منطقه، روی آوردن به حجاب به‌عنوان نماد اسلامی و... می‌توان استناد کرد. (خواجه سروی، ۱۳۹۱: ۱۰۰-۱۰۱)

۷-۲. تغییرات و پیامدهای بیداری اسلامی

بیداری اسلامی از حدود یک و نیم قرن گذشته و همزمان با خودباختگی ملل مسلمان و تهاجم همه‌جانبه غرب در جهان اسلام و عصر استعمار، شروع شد و با مبارزات کسانی چون سیدجمال‌الدین اسدآبادی و شاگردان او برضد استعمار رسمیت یافت. سیدجمال‌الدین، بنیانگذار مرحله «بیدارگری اسلامی» دانسته شده است؛ به‌گونه‌ای که بیداری اسلامی در مصر و عثمانی محدود نماند و بخش‌های مهمی از جریان‌های اسلامی در ایران شکل گرفت که انقلاب امام خمینی (ره) مهم‌ترین آن است؛ به‌نحوی که ایشان «بیدارسازی امت اسلامی» را در دو حوزه اندیشه و عمل به‌وجود آورد و توانست گام اصلی را برای تحقق نظری و عملی حاکمیت اسلامی در جهان معاصر بردارد. (بشیر، ۱۳۹۲: ۳۵۷) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خیزش اسلامی در کشورهایمانند؛ لبنان، فلسطین، عراق و افغانستان دنبال شد. این مبارزات در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ از تونس آغاز شد و به سایر کشورهای منطقه سرایت کرد. این تحولات سرآغاز رشته‌ای از تغییرات اساسی در منطقه خاورمیانه شد. تغییر حاکمان در تونس، مصر، لیبی، یمن و درخواست تغییرات و دگرگونی سیاسی در دیگر کشورهای منطقه با هدف دستیابی ملت‌ها به آزادی‌های سیاسی و مدنی از جمله این تغییرات بود. (پورسعید، ۱۳۹۲: ۱۸۶-۱۷۶)

۸. تأثیر نقض کرامت انسانی بر بیداری اسلامی

با توجه به مباحث مطرح‌شده درباره شاخص‌های کرامت انسان، در این بخش رابطه نفی این زیرساخت‌ها در پیدایش بیداری اسلامی منطقه خاورمیانه تبیین می‌شود.

۸-۱. عقلانیت و بیداری اسلامی

عقلانیت به‌عنوان یکی از شاخص‌های اصلی کرامت، در تثبیت حاکمیت حکومت‌ها نیز ضروری است و نادیده انگاشتن آن موجب زیر سؤال رفتن حاکمیت حاکمان می‌شود. چنانچه در قرآن، انسان به تعقل و تدبیر دعوت شده و از پیروی کورکورانه نهی شده است. بنابراین از یکسو، انسان با عقلانیت می‌تواند حق را از باطل تشخیص دهد و به باطل اعتراض کند. از سوی دیگر؛ نادیده انگاشتن عقلانیت برای انسان، در واقع نقض کرامت اوست که زمینه‌ساز شورش خواهد بود. این مسأله در بیداری ملل منطقه نیز قابل تبیین است. عدم پیروی

کورکورانه از حاکمان، وجود عقل‌گرایی ملل منطقه را اثبات می‌کند و از طرف دیگر، درخواست حاکمان منطقه مبنی بر تابعیت محض از آن‌ها، نقض عقلانیت و نقض کرامت انسانی است.

استمرار چند دهه حاکمیت اقتدارگرایی، گویای نقض عقلانیت و از جمله دلایل نارضایتی جامعه عرب است. درحالی‌که رهبران و نخبگان عرب، خواهان اقتدار ریشه‌دار و مشروعی هستند که بر مبنای رضایت و تأیید مردم باشد. (آدمی، ۱۳۹۰: ۶۳)

بنابراین از آنجایی که عقل‌گرایی و کرامت انسانی، یک امر ذاتی است. مخالفت با امر ذاتی، مقابله و عکس‌العمل در برابر آن را در پی خواهد داشت.

۸-۲. شاکر بودن و بیداری اسلامی

جنبه کرامت‌بخشی شاکر بودن علاوه بر انسان، برای دولت‌ها و حکومت‌ها نیز صدق می‌کند. اگر ملت و یا کشوری فاقد مصادیق شکرگذاری باشد، در وضعیت ناشایسته‌ای قرار می‌گیرد، کرامت خود را از دست داده و به سوی انحطاط پیش خواهد رفت. شکرگزاری به‌عنوان یکی دیگر از زیرساخت‌های کرامت انسانی، نقش مهمی در سقوط و یا صعود ملت‌ها دارد؛ زیرا اگر در جامعه‌ای ملاک‌های شکرگزاری؛ مانند توجه به زمینه‌های رشد نیروی انسانی در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌ها و نعمت‌های هر کشور، به‌کار بردن درست امکانات، عدم افراط و تفریط، و اختصاصی نشدن منافع کشور برای یک قشر خاص و بهره‌مندی همه افراد جامعه از آن امتیازات رعایت شود، در آن جامعه کرامت انسانی حفظ شده و زمینه صعود آن کشور فراهم می‌شود. درحالی‌که ناسپاسی و توجه نکردن به مصادیق شکرگزاری در جامعه، نقض کرامت انسان را در پی دارد که زمینه‌ساز سقوط آن کشور خواهد شد. چنانچه دقت‌نظر در چرایی انقلاب‌ها و اعتراضات مردم به‌ویژه ملل منطقه خاورمیانه، بیانگر وجود معیارهای ناسپاسی در میان حاکمان و کارگزاران این کشورها است که به نادیده انگاشتن کرامت انسانی منجر می‌شود.

بنابراین، شکرگزاری به صورت شکوفا نمودن استعدادها و استفاده درست از منابع خدادادی، و بکارگیری عادلانه نیروی انسانی و زمینه‌سازی برای دسترسی آن‌ها از امکانات کشور، حرکت و تحول در جهت تعالی کشور ایجاد خواهد کرد. به بیان دیگر، دگرگونی مثبت در راستای شکرگزاری نمود می‌یابد. در مقابل، ناسپاسی، تحول در جهت به‌خطر افتادن منافع حاکمان و متزلزل شدن پایه‌های قدرت آن‌ها توسط ملت‌ها خواهد بود. همانطور که مصادیق ناسپاسی در کشورهای خاورمیانه؛ مانند استفاده نکردن از استعدادهای جوانان تحصیل‌کرده به‌صورت عادلانه در اداره کشور، فراهم نکردن زمینه دستیابی افراد به امکانات و اختصاصی شدن منافع کشور، عملکرد نادرست دولت در حوزه داخلی و ... زمینه سقوط دولت‌های آن‌ها را فراهم کرد. برای نمونه در بررسی نظرسنجی شورای جمعیت سال ۲۰۰۹ که در میان جوانان مصر انجام شده است، ۳۰ درصد از مردان جوان در سن ۱۵ تا ۲۹ سال تأکید کرده‌اند، که به‌دنبال مهاجرت بویژه به کشورهای ثروتمند نفتی حاشیه خلیج فارس

هستند؛ زیرا آن‌ها انتظار یافتن شغل در کشور خود را ندارند. همچنین ۷۰ درصد جوانان گفته‌اند که بیکارند؛ زیرا کاری برای انجام دادن وجود ندارد. ۴۰ درصد نیز معتقدند؛ ارتباطات شخصی در یافتن کار، بسیار مهم‌تر از توانایی و مهارت لازم برای انجام دادن کار مد نظر است. جوانان بیکار در واقع قیام برای سرنگونی مبارک را واکنشی طبیعی در مقابل فساد گسترده و عملکرد نادرست وی می‌دانند. (www.prb.org,2011)

۸-۳. تحول‌گرایی و بیداری اسلامی

عناصر ارزشی کرامت انسان، زمینه‌ساز تکامل و کسب امتیازات درونی و بیرونی است و موجب تحول در جامعه نیز می‌شود. بنابراین، هرچه ظرفیت کرامتی انسان ارتقا یابد، ظرفیت بیشتری از طبیعت به نفع انسان تسخیر می‌شود و در نتیجه، زمینه تکامل وی و جامعه فراهم می‌گردد. چنانچه قرآن عامل تغییر را خود انسان می‌داند که می‌تواند سرنوشت خود و جامعه را رقم بزند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱) همچنین کسب مهارت‌ها و توانایی‌های انسان را برای تسخیر جهان مؤثر می‌داند که در مسیر اقوامی به اقوام دیگر برتری خواهند یافت که سنت‌های درست آشکار شده و سنن غلط برچیده خواهند شد. (انعام: ۳۴)

بنابراین عدم تحول و سستی، در عقب‌ماندگی ملت‌ها مؤثر است؛ زیرا بخشی از ستم‌ها در اثر جهالت‌ها و عدم تحول ملت‌ها اتفاق می‌افتد. از این‌رو، میان کرامت انسانی و تحول‌گرایی ارتباطی مستقیم وجود دارد. حرکت در جهت مبارزه با مفاسد و ظلم‌ها، کرامت انسانی را به ارمغان می‌آورد. از سوی دیگر، دگرگونی‌ها نیز بدست انسان‌های با کرامت انجام می‌پذیرد. پس علت اصلی تحولات، انسان با کرامت است. حتی اگر انسان تحقیر شود و ارزش وجودی او نادیده انگاشته شود، موجب انقلاب و تحول خواهد شد. همانطور که رخداد‌های انقلابی در کشورهای شمال آفریقا و خاورمیانه پایه‌های رژیم‌های دیکتاتوری را که بیش از سه دهه بر این کشورها حاکم بودند، به لرزه در آورد. در تونس، بن علی حکومت را در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۰ رها کرد و گریخت. مردم مسلمان مصر نیز حسنی مبارک را با وجود پشتیبانی امریکا و اسرائیل در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ سرنگون کردند. علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن نیز در سال ۲۰۱۳ میلادی قدرت را پس از ۳۵ سال ترک کرد. مبارزان لیبی نیز در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱، با مصادره سرت (پایتخت جدید) قذافی را کشتند. (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۴۵-۲۵۰)

خیابان‌های بحرین و عربستان نیز به صحنه اعتراضات مردم برضد دیکتاتورهای حاکم تبدیل شد. در بحرین تظاهرکنندگان اهداف خود را گسترش دادند و پایان حکومت پادشاهی در بحرین را خواستار شدند. در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ میلادی تظاهرات در اردن هم آغاز شد. ملک عبدالله به دلیل اعتراضات خیابانی دولت را عزل کرد و از معروف البخیت، ژنرال سابق ارتش خواست تا کابینه جدید تشکیل دهد. (Aljazeera,2011)

۸-۴. آزادی و بیداری اسلامی

عوامل متعددی مانند؛ اشخاص، قدرت‌ها و حکومت‌ها وجود دارند که می‌توانند آزادی انسان را خدشه‌دار سازند. بنابراین اگر آزادگی انسان که به روح عزت‌طلبی او برمی‌گردد، از بین برود آزادی انسان در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و ... نیز مورد خدشه قرار خواهد گرفت. تعرض به آزادی انسان‌ها در واقع تعرض به انسان بودن آن‌هاست. بر این اساس، آزادی برای انسان حق خدادادی است و امری اکتسابی نیست که حاکمان و قدرتمندان به افراد اعطا کنند. از این‌رو، اگر کسی آزادی انسان را محدود کند، بر او ظلم نموده و برخلاف فرمان خداوند و ذات انسان عمل کرده است.

در قرآن کریم، به آزادی اجتماعی و نفی نظام استعمار اشاره شده است. (آل‌عمران: ۶۴) در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز به آزادی اجتماعی اشاره شده و علت تمامی جنگ‌ها و مشکلات که در دنیا وجود دارد، به دلیل احترام نگذاشتن افراد به آزادی دیگران مطرح شده است.

بنابراین در طول تاریخ، آزادی راه نجات بشر از یوغ استعمارگران بوده است. نفی آزادی اعم از؛ آزادی‌های فردی، معنوی، اجتماعی و سیاسی با اصل کرامت انسان منافات دارد. زیرا اگر آزادی از انسان سلب شود، در واقع کرامت انسان زیر سؤال رفته و مخالفت‌هایی به دنبال خواهد داشت. چنانچه توجه نکردن به دموکراسی بویژه آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در کشورهای عربی یکی از عوامل مهم در نارضایتی و خیزش مردم عرب است. بیشتر کشورهای خاورمیانه عربی، دارای نظام‌های پادشاهی هستند که مشروعیت مردمی ندارند بلکه دارای ماهیت موروثی و خانوادگی می‌باشند. (آدمی، ۱۳۹۰: ۶۷) برای مثال؛ در تونس بن‌علی ۲۳ سال حکومت کرد و حسنی مبارک ۳۰ سال در مصر حاکم بود. در بحرین نیز آل خلیفه با کمک انگلیسی‌ها و واگذاری امتیازات فراوان به آن‌ها حکومت را در دست گرفتند و سلطنت در آن کشور به صورت موروثی به فرزند بزرگ ذکور خانواده می‌رسد. در عربستان سعودی نیز در رأس نظام سیاسی، خاندان سلطنتی قرار دارد و همه اعضای مجلس را پادشاه برمی‌گزیند و آن‌ها فقط به عنوان یک ارگان مشورتی عمل می‌کنند. (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۳)

در این مدل حکومت‌ها، شاخص‌هایی چون انتخابات آزاد، شایسته‌سالاری، نخبه‌گرایی و آزادی‌های فردی و جمعی وجود ندارد. (آدمی، ۱۳۹۰: ۶۷) استبداد در دستگاه حکومتی آن‌ها رواج دارد و نیروهای امنیتی آزادی‌های سیاسی و مطبوعاتی را سلب کرده بودند. بنابراین توجه نکردن به این شاخص‌ها، در واقع نادیده انگاشتن کرامت انسانی است که نقش مهمی در نارضایتی و خیزش مردم عرب داشت. چنانچه در عربستان نیز مخالفان با تظاهراتی نمادین خواهان آزادی‌های مدنی بیشتر و مشروطه شدن پادشاهی شدند.

در مصر نیز حسنی مبارک در طول حکومت سی ساله خود، بسیاری از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را محدود کرد؛ به گونه‌ای که تحت فشار قرار دادن منتقدان دولت سبب محدود و بی‌نتیجه شدن فعالیت‌های آن‌ها شده بود. در عمل نیز مطبوعات آزاد وجود نداشت و بر معدود مطبوعات مستقل نیز نظارت و سانسور شدیدی حاکم بود. استفاده مردم و بویژه جوانان

از فناوری‌های ارتباطی و آگاهی از سایر نقاط جهان، احساس محرومیت از آزادی را تشدید می‌کرد. در واقع نبود آزادی، انحصار قدرت و تسلط کامل دولت بر همه بخش‌های جامعه مصری، فقدان جامعه مدنی را در پی داشت و سبب شد تا جامعه قادر نباشد درباره موضوعات مهمی مانند دموکراسی صحبت کند. دولت مبارک در چنین شرایطی، وجود احزاب را تبلیغ و فعالیت آن‌ها را هدایت و به بهره‌مندی از رانت آلوده می‌کرد. چنانچه روزنامه‌نگاران و نویسندگان زیادی مجبور شدند، برای امرار معاش قلم خود را در خدمت حکومت مبارک قرار دهند. (Hamdy, 2011: 5-8). حداقل آزادی‌های بیان و اجتماعات نیز در سال‌های پایانی دولت مبارک لغو شده بود (حیدری، ۱۳۹۰: ۶۲). در حالیکه ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر به حق آزادی بیان و عقیده افراد تصریح می‌کند. نقض حقوق آزادی مذهبی در جامعه مصر سبب همراهی قبطیان مصری با مسلمانان در طول اعتراضات مردمی و در نتیجه سقوط رژیم مبارک شد؛ همگرایی مسلمانان و مسیحیان در شعارهای آن‌ها نیز دیده شده است. (www.irna.ir)

۸-۵. عدالت‌محوری و بیداری اسلامی

یکی از مهم‌ترین وظایف حاکم، ایجاد شرایط عادلانه در جامعه است و برقراری عدالت منوط به اسلامی و یا غیراسلامی بودن حکومت نیست. بلکه انسان به حکم انسان بودنش، اقتضای کرامت دارد. بنابراین حکومت‌ها باید حافظ کرامت انسانی بدون در نظر گرفتن نژاد، مذهب و عقیده باشند. چنانچه وابستگی مفرط حکومت‌های عربی خاورمیانه‌ای به غرب، علاوه بر تحقیر ملت‌های این منطقه، به واسطه نوع حکومتی بسته و غیررسمی با فسادهای گسترده اقتصادی همراه بوده و افزایش فقر، بیکاری و شکاف میان توده‌های فقیر و غنی را به دنبال داشته است. تحلیل‌گران معتقدند؛ در کارنامه رژیم‌های اقتدارگرا در کشورهای عربی از زمان استقلال تاکنون، چیزی جز فقر گسترده، شکاف رژیم طبقاتی، کمبود نهادهای سیاسی، ضعف جامعه مدنی، کم‌رنگی حضور فرد در جامعه و بی‌ثباتی فراگیر به چشم نمی‌خورد. (دهشیار، ۱۳۹۰: ۱۵)

از این‌رو، ریشه تمامی این موارد را باید در نبود عدالت در حوزه‌های مختلف آن تحلیل کرد؛ به گونه‌ای که در بیشتر کشورهای عربی، حکومت نخبگان، توزیع ناعادلانه ثروت و فراهم نمودن پول بی‌حاصل از فروش نفت، شکاف میان طبقات اجتماعی را وسیع‌تر کرده و در همان حال فساد و مصرف‌گرایی بی‌حدی را میان فرمانروایان و عوامل آن‌ها رواج داده است. (دکميجان، ۱۳۷۷: ۶۴)

در کشورهای عربی به عدالت سیاسی نیز توجه نمی‌شود؛ زیرا از لحاظ سیاسی این منطقه به شدت اقتدارگرایی سلطانیسم و نظام موروثی را تجربه کرده است (سردارنیا، ۱۳۸۸: ۷-۸) تاکنون در هیچ انتخاباتی، یک رئیس جمهور عرب از قدرت کنار نرفته و قدرت در دست رهبران سیاسی مستبد و نخبگان وابسته به قدرت متمرکز است. (یوسف‌احمد، ۱۳۸۰: ۱۱۵) بنابراین، تمرکز قدرت و ثروت در دست خاندان حاکم و احزاب خاص و بی‌توجهی به نیازهای مردم در این کشورها، از جمله؛ مصادیق بی‌عدالتی است. ساختار سیاسی حاکم و

نخبگان کشورهای عربی نیز نتوانسته‌اند توسعه سیاسی و اقتصادی را حتی در پایین‌ترین شاخص‌ها برای جامعه فراهم کنند. از این‌رو، رواج بی‌عدالتی‌ها و فسادهای مالی و اخلاقی در طبقه حاکم، از دلایل اصلی قیام ملل خاورمیانه دانسته شده است. فساد مالی نزدیکان بن علی و رفتار توهین‌آمیز آن‌ها، دلیل اصلی قیام ملت تونس است؛ زیرا مردم از ثروت‌های کلان و ولخرجی‌های «لیلا طرابلسی»، همسر بن علی و خاندان طرابلسی به ستوه آمده‌اند. (کوچه مشکی، ۱۳۸۹: ۸)

بخشی از اتهام‌های وارد شده به حسنی مبارک، رئیس‌جمهور مخلوع مصر نیز عبارت است از: ۱. واریز وجوه «کتابخانه اسکندریه» به حساب‌های محرمانه ۲. بخشیدن اراضی دولتی به «حسنی سالم» یکی از نزدیکان خود ۳. به هدر دادن میلیون‌ها جنیه (پوند مصری) مصری به خاطر فروش ارزان گاز به رژیم صهیونیستی ۴. واریز میلیون‌ها دلار از بیت‌المال به حساب‌های شخصی خود در بانک‌های خارجی ۵. نقض قوانین ممنوعیت تصرف در اموال عمومی (روزنامه ایران، ۹۰/۱/۲۵: ۶)

در عربستان سعودی نیز هزاران شاهزاده مناصب حکومتی را در دست داشته و روش زندگی آن‌ها همراه با اسراف و ولخرجی است. (یوسفی، ۱۳۸۶: ۲۳ و ۴۲)

باقی ماندن درآمد حاصل از رشد اقتصادی در حلقه‌های قدرت، حاکمان بسیاری از این کشورها در سال‌های اخیر و بهره‌مند نشدن بدنه جامعه از این رشد، نمونه دیگری از این بی‌عدالتی‌ها است. بنا بر گزارشی، دارایی حسنی مبارک و خانواده وی بین ۴۰ تا ۷۰ بیلیون دلار برآورد شده است، ۳۹ مقام رسمی و تجار نزدیک به جمال مبارک هریک به‌طور میانگین، ثروتی بیش از ایلیون دلار دارند. (Goldstone, 2011: 11) درحالی‌که در آستانه بحران‌های مصر، فاصله طبقاتی در این کشور بسیار بیشتر از استاندارد جهانی است. گزارش شورای وزیران مصر در سال ۲۰۱۰ نشان می‌دهد که تعداد مصریانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، از ۱۷ درصد در سال ۲۰۰۰، به ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافته است. همچنین بیش از نیمی از جمعیت مناطق روستایی، بی‌سواد هستند که با توجه به جمعیت زیاد روستاییان، تعداد آن‌ها میلیون‌ها نفر تخمین زده می‌شود. (Global Gender Gap Report, 2010) چنین اوضاع اقتصادی و اجتماعی، زمینه نارضایتی گسترده‌ای میان جامعه مصر بویژه جوانان فراهم کرد. بسیاری از متفکران، فقر و بیکاری را عاملی برای آغاز این انقلاب‌ها از تونس و سقوط «بن علی» پادشاه تونس دانسته‌اند. اما وجود فقر و بیکاری در جامعه، توجه نکردن به کرامت انسانی است؛ به بیان دیگر نقض کرامت انسانی که فقر و بیکاری از جمله مصادیق آن هستند، زمینه قیام را فراهم کرد. همانطور که سیلی خوردن و مصادره چرخ‌دستی جوان دوره‌گرد تونسی در ۱۷ دسامبر ۲۰۱۰ توسط نیروهای پلیس که در اعتراض به بیکاری و فقر رخ داد و در نهایت موجب خودسوزی وی شد، در واقع نمونه‌ای از نقض کرامت انسانی است که به تظاهرات هزاران تونسی معترض به فقر، بیکاری، نبود عدالت اجتماعی و رشد فساد در حکومت منجر شد و سرانجام سقوط حکومت تونس را به دنبال داشت.

بنابراین فساد حکومت‌ها و تمرکز ثروت در دست خاندان حاکم، فقر گسترده مردم در کنار ثروت انبوه حکام، نرخ بالای بیکاری و ناکارآمدی حاکمان عرب در مدیریت منابع مادی و انسانی در جهت تأمین رفاه مردم؛ از جمله مصادیق بی‌عدالتی و نقض حقوق شهروندی و کرامت انسانی است که جزو مهم‌ترین دلایل وقوع انقلاب در کشورهای عربی دانسته شده است. (Goldstone, 2011: 11-12) زیرا مردم به این باور رسیده‌اند که در سایه خیزش‌های عمومی می‌توان زمینه نابودی بی‌عدالتی‌ها را فراهم کرد و برابری را حاکم نمود. بنابر نظر تحلیل‌گران نیز هرگاه دولت در نظر مردم به‌طور کامل غیرعادلانه و ناکارآمد به نظر برسد، تهدیدی برای آینده کشور تلقی می‌شود و این امر می‌تواند به موفقیت انقلاب مردم کمک کند (Goldstone, 2011: 8).

بر اساس تفکر دینی نیز مشروعیت قدرت تا زمانی است که عدالت اجرا شود و برای فراگیری حق و داد در جامعه تلاش شود. حضرت علی (ع) (۱۳۸۴: ۴۸۴) خطاب به یکی از کارگزارانش به صراحت می‌فرماید: «فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نیست، بلکه بر گردنت امانتی است؛ درباره رعیت حق نداری استبداد به خرج دهی»

بنابراین، برای تجلی جنبه‌های مختلف عدالت در جامعه باید مظاهر آن به صورت عادلانه توزیع شود. برای مثال؛ اجرای عدالت سیاسی در جامعه منوط به توزیع درست و دقیق قدرت در عرصه سیاست و جلوگیری از انباشت آن در دست تعدادی معدود است. در این صورت، کرامت و شرافت افراد حفظ خواهد شد. از سوی دیگر، بخشی از رفتارهای کریمانه انسان‌ها، زمانی در جامعه رخ می‌دهد که عدالت در جامعه تحقق پیدا کرده باشد؛ زیرا در رفتارهای کریمانه، تلاش افراد، عادلانه، قانونی و همراه با کمک به هموعان و خیرخواهانه است. در صورتیکه در رفتارهای غیرکریمانه، افراد برای رسیدن به اهداف خود، به رفتارهای فسادآور و غیراخلاقی مانند دروغ، رشوه، اختلاس، امتیازخواهی، رانت‌خواری و غیره متوسل می‌شوند که در این صورت امنیت و کرامت انسانی دیگران به خطر خواهد افتاد.

از این‌رو، بین عدالت و کرامت انسانی ارتباط متقابلی وجود دارد؛ به نحوی که عدالت بدون حفظ کرامت انسانی، ناممکن است و بدون حفظ شرافت انسانی نیز نمی‌توان عدالت را در جامعه اجرا کرد. توجه نکردن حاکمان کشورهای عربی به اجرای عدالت، نمونه‌ای از نقض کرامت انسانی است؛ زیرا دولت‌های استبدادی آن‌ها فقط به فکر توسعه ثروت خود و وابستگان بودند اما مردم کشورشان از فقر زیاد رنج می‌کشیدند.

۸-۶. امنیت و بیداری اسلامی

از ابتدایی‌ترین کارکرد دولت، برقراری امنیت و پیشگیری از تعدی به حرمت شهروندان است. براین اساس، امنیت یکی دیگر از معیارهای سنجش کرامت انسانی است؛ زیرا نبود امنیت در جامعه مساوی با نقض کرامت انسانی است و نادیده انگاشتن کرامت انسان منشأ اعتراضات می‌شود؛ چنانچه نبود امنیت در کشورهای عربی، عاملی برای شروع جنبش‌ها شد. برای مثال؛ تظاهرات ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱ در سوریه زمانی آغاز شد که افسر پلیس به مردی در

خیابان الحرکه دمشق حمله و پس از ضرب و شتم او را دستگیر کرد. در نتیجه، معترضان خواستار آزادی او شدند و سپس برضد دولت بشار اسد تظاهرات کردند و خواهان کناره‌گیری او از قدرت شدند. (پورسعید، ۱۳۹۲: ۳۰۴-۳۰۷)

در اعتراضات بحرین نیز تعداد زیادی از مردم دستگیر و تعدادی به علت شکنجه، کشته شدند. گزارش کمیسیون تحقیقات بحرین در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۱، درباره وقایع مبنی بر این است که دولت به‌طور سیستماتیک زندانیان را شکنجه کرده و مرتکب نقض حقوق بشر و امنیت شده است. (نیاکوئی، ۱۳۹۰: ۲۵۸) در حالیکه، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶م)، حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر مانند؛ حق حیات، امنیت، آزادی، نفی بردگی و شکنجه را به قواعد حقوقی الزام‌آور تبدیل کرده است. میثاق مزبور شامل؛ حقوق سیاسی و مدنی مشترک میان کلیه ملل است که دولت‌ها به رعایت و ترویج آن متعهد می‌شوند. هرچند تمام این حقوق در راستای حفظ کرامت انسانی تدوین شده‌اند و دولتمردان به حقیقت آن آگاه هستند اما در مرحله عینی و واقعیت، خلاف آن عمل می‌شود. به بیان دیگر؛ این حقوق و اصول انسانی حقیقی هستند اما واقعی نمی‌شوند. از این‌رو با اجرایی نشدن این حقوق مانند امنیت، کرامت انسانی تهدید و منشأ شورش‌ها می‌شود.

۸-۷. حق مالکیت و بیداری اسلامی

حکومت‌ها و افراد نباید بدون دلیل شرعی و قانونی، برای حق مالکیت افراد مانع ایجاد کنند. بلکه دولت باید امکاناتی را در اختیار مردم قرار دهد تا حق مالکیت آن‌ها تأمین و حراست شود؛ زیرا این حق نیز نقش زیربنایی در حفظ کرامت انسانی دارد. چنانچه حضرت علی (۱۳۸۴: ۵۶۴) در روش حکومتی خود به این اصل تأکید داشته و مالک اشتر را به تساوی حقوق، فراهم کردن امکانات و مراقبت از تهیدستان، مورد خطاب قرار می‌دهد: «الله الله فی الطبقة السفلی من الذین لاحیلة لهم، و المساکین والمحتاجین وأهل البؤسی والزمنی» در ماده یک میثاقین نیز بر حق مالکیت و حق کسب و کار تأکید شده است. (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۶۷)

بنابراین مبنای حق مالکیت در اسلام و اسناد بین‌المللی، حفظ شأن انسان و تضمین‌کننده آزادی برای انسان است؛ چون در شرایط بردگی، انسان حق مالکیت هیچ چیز حتی جانش را ندارد. با خدشه‌دار کردن این حق، توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی نیز تأمین نخواهد شد. چنانچه بی‌توجهی به حق مالکیت افراد در بسیاری از کشورهای خاورمیانه و تبعیض در فراهم کردن امکانات و مالکیت افراد، موجب بحران کسب و کار، اشتغال، و افت سطح زندگی مردم و در نتیجه نادیده انگاشتن کرامت وجودی انسان‌ها شد که در نهایت اعتراضات مردمی را به دنبال داشت. برای مثال؛ آمارهای غیررسمی خبر از ۲/۸ میلیون بیکار، ۱۴/۵ میلیون نیروی شاغل، ۱۹ درصد میزان بیکاری و ۲۳ درصد نرخ تورم در مصر می‌دادند. (Oweiss, 1988: 2-4) بیکاری در سال ۲۰۰۹ نیز به حدود ۲۵ درصد رسید که اغلب دامنگیر جوانان مصری بوده است (احمدیان، ۱۳۹۱: ۲۰۱).

در تونس تعرض به حق مالکیت «محمد بوعزیزی» با توقیف چرخ‌دستی‌اش که خودسوزی و نقض کرامت وی را به دنبال داشت، سبب شکل‌گیری تظاهرات جوانان این کشور شد. بی‌توجهی مسئولان

مصری به شکایت «عبده عبدالمنعم حماده جعفر خلیفه» برای بسته شدن رستوران‌ش در نهایت سبب خودسوزی وی در برابر ساختمان مجلس این کشور شد. این جوان مصری قبل از خودسوزی در برابر مجلس، شعارهایی مانند: «ای نیروهای امنیتی کشور، حق من در مصر پایمال شده است» سر داده بود. (Population Council, 2010).

بنابر مصادیق مطرح شده، نقض حقوق شهروندی و کرامت انسانی را می‌توان ناشی از بی‌عدالتی، بی‌امنیتی، نبود آزادی، سلب حق مالکیت و ... دانست که در شکل‌گیری بیداری اسلامی کشورهای خاورمیانه تأثیر بسیاری داشته است؛ چنانچه تحلیل‌گران نیز وضع حقوق بشر در خاورمیانه را ضعیف ارزیابی می‌کنند و حاکمیت سنتی قومی - مذهبی و فرهنگ اقتدارگرایی را در این وضعیت مؤثر می‌دانند. (ذاکریان، ۱۳۸۲: ۳۰-۲۶) برخی از آنها، تأثیر نقض حقوق بشر در تحولات خاورمیانه را به‌عنوان یک عامل گفتمانی مطالعه کرده و باور دارند؛ همه معترضین خواستار دموکراسی، قانون‌گرایی و دسترسی به حقوق شهروندی و احترام به حقوق بشر بودند. (Aneja, 2011: 4) برخی دیگر نیز درک تغییرات سه کشور تونس، مصر و لیبی را در چهارچوب گفتمان حقوق بشر امکان‌پذیر می‌دانند. (anderson, 2011: 27) تأکید بر هویت و مبانی کرامت انسانی در شعارهای آنها نیز مشاهده می‌شود؛ از جمله شعارهای گروه‌های به پا خاسته در میدان التحریر تحت عنوان «نان، آزادی و کرامت انسانی» بود. (HRW, 2012)

۹. تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به نظریه امنیت هستی‌شناختی علت بنیادین پیدایش جنبش‌های ملل منطقه، تهدید هویت و تداوم احساس ناامنی و نادیده گرفتن عزت و کرامت افراد ساکن در کشورهای منطقه بوده است؛ بدین معنا که عواملی مانند؛ ضعف توسعه سیاسی و دموکراسی، فقدان مشروعیت مردمی حکومت‌ها و وجود حکومت‌های خودکامه و وابسته به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، مشکلات اقتصادی و ... سبب نقض کرامت انسانی و عوامل کرامت‌بخش مانند عدالت، آزادی، امنیت، حق مالکیت و ... شد. مردم نیز برای بازیابی هویت و حفظ کرامت خویش قیام کردند. این موضوع که نقض کرامت و عناصر کرامت‌بخش عامل بیداری و قیام ملت‌های منطقه بوده، از نظر خبرگان نیز تأیید شد. نظر خبرگان درباره تأثیر نقض کرامت و عناصر کرامت‌بخش در بیداری و قیام ملت‌های منطقه در جدول شماره ۲ منعکس شده است.

جدول ۲: نادیده گرفتن عناصر کرامت‌بخش و بروز بیداری ملل منطقه از منظر خبرگان

میزان متغیر		خیلی کم		کم		متوسط		زیاد		خیلی زیاد	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
فراهم کردن زمینه‌های کرامت‌بخشی و حفظ کرامت انسان‌ها، وظیفه دولت‌ها و حکومت‌هاست.		۱	۷۳٫۶			۶	۴۴٫۱	۶	۴۱٫۶	۸۱	۵۷٫۸
حفظ کرامت انسان‌ها عامل موثری در دوام و بقا حکومت‌هاست.				۱	۷۳٫۶	۷	۸۳٫۷	۱۱	۷۶٫۶	۷	۸۳٫۷
بین «کرامت‌خواهی انسان» و «ایجاد تحولات اجتماعی» رابطه وجود دارد.						۴	۷۲٫۱	۱۵	۵۳٫۵	۶	۶۱٫۱
نقض کرامت انسانی به عنوان حق طبیعی، موجب اعتراض و نارضایتی انسان‌ها می‌شود.				۱	۷۳٫۶	۱	۷۳٫۶	۶	۵۷٫۱	۱۰	۶۵٫۷
نقض کرامت انسان‌ها یکی از عوامل موثر در بروز اعتراض ملت‌ها و بی‌ثباتی حکومت‌هاست.				۱	۷۳٫۶	۴	۷۲٫۱	۸۱	۴۴٫۶	۱۰	۶۵٫۷
نقض کرامت مردم خاورمیانه و نادیده گرفتن مولفه‌های کرامت بخش (مانند عقلانیت، آزادی‌خواهی، عدالت‌محوری، امنیت، حق‌مالکیت، شاکر بودن و تحول‌گرایی) موجب خیزش و ظهور جنبش‌های اخیر خاورمیانه شده است.				۲	۵۱٫۷	۴	۷۲٫۱	۱۵	۵۳٫۵	۷	۵۱

چنانکه از بررسی نظر خبرگان پیداست ۷۴٫۹۹ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد حفظ کرامت افراد را از وظیفه دولت‌ها می‌دانند و ۶۷٫۸۵ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد حفظ کرامت انسان‌ها را عامل بقای حکومت‌ها معرفی کرده‌اند. ۸۵٫۷۲ درصد نیز در حد زیاد و خیلی زیاد وجود رابطه میان کرامت‌خواهی افراد و بروز تحولات اجتماعی را تأیید می‌کنند و ۹۲٫۸۴ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد نقض کرامت را عامل بروز نارضایتی و اعتراضات می‌دانند. در این ارتباط ۸۲٫۱۴ درصد در حد زیاد و خیلی زیاد نقض کرامت مردم را موجب بروز نارضایتی ملی و بی‌ثباتی حکومت‌ها دانسته‌اند. در بررسی رابطه میان نقض کرامت مردم و بروز بیداری و جنبش‌های انقلابی در خاورمیانه نیز ۷۸٫۵۷ درصد از خبرگان نقض کرامت ملت‌های منطقه و نادیده گرفتن عناصر کرامت‌بخش به ملت‌های منطقه را عامل بیداری ملت‌های منطقه و ظهور جنبش‌های انقلابی در این منطقه در سال‌های بعد از ۲۰۱۰ معرفی کرده‌اند.

۱۰. نتیجه‌گیری

اگرچه بیداری اسلامی از انگیزه‌های متفاوت دینی، اجتماعی و انسانی برخاسته است و رویکرد ضد ظلم و فساد، بی‌عدالتی و ضد صهیونیستی دارد، اما تمام رویکردها در نقض کرامت انسانی خلاصه می‌شود. انسان موجودی اجتماعی است، تجلی کرامت انسانی هم باید در اجتماع صورت گیرد. پس نظام سیاسی نیز برای جامعه ضروری است. در نتیجه، کرامت انسانی با نظام سیاسی و شیوه مدیریتی حاکم ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کند. اگر نظام سیاسی حاکم فاقد اصولی مانند برقراری عدالت، امنیت و آزادی باشد، کرامت انسانی محقق نخواهد شد.

بر مبنای نظریه امنیت هستی‌شناختی، زیرساخت اصلی عواملی که موجب جنبش ملل منطقه و فروپاشی حکومت‌های آن‌ها شد، نقض کرامت انسانی و حقوق شهروندی است؛ بدین معنا که مشکلاتی همچون فساد، نبود جنبه‌های مختلف آزادی، فقر، بی‌عدالتی، ناامنی، بی‌خردی، زورگویی و نبود اخلاق، زمینه احساس ناامنی نسبت به مسائل هویتی و کرامتی را در این منطقه فراهم کرد. در نتیجه رسیدن به «لحظه سرنوشت‌ساز» مد نظر گیدنز، سرعت یافت؛ یعنی احساس تحقیر و خودسوزی بوعزیزی سبب روی آوردن مردم به واکنش تعارضی و حرکت‌های انقلابی برای تغییر وضعیت ذلت‌بار و بازسازی هویت خویش در تونس و سرایت آن به کشورهای دیگر شد.

علاوه بر تأیید فرضیه این مقاله براساس نظریه امنیت هستی‌شناختی، بررسی نظر خبرگان و صاحب‌نظران نیز این فرضیه را تأیید کرد که نقض کرامت ملت‌های منطقه موجب بیداری آن‌ها و بروز جنبش‌های انقلابی شده است. بی‌توجهی به کرامت انسانی سبب بی‌عدالتی، استبداد، تجمع ثروت در دست عده‌ای خاص، سستی، ناسپاسی و ... می‌گردد و در نتیجه موجب اعتراض می‌شود. حضور گسترده جوانان و نیروهای محروم طبقات پائین و متوسط در خیزش‌ها، شعارها و طرح نیازهایی همچون بدست آوردن حق تعیین سرنوشت، آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، امنیت، برخورداری از توزیع عادلانه ثروت و فرصت‌های شغلی و غیره تأیید کننده این فرض است که نقض کرامت انسانی نقش زیربنایی در پیدایش بیداری اسلامی ملل منطقه داشته است.

کتاب‌نامه

الف - فارسی

۱. قرآن کریم.
۲. آدمی، علی، یزدان‌پناه، مهدی و جهان‌خواه، عادل (۱۳۹۰)، «بیداری اسلامی و تغییر رژیم‌های عربی»، *مطالعات راهبردی*، سال ۱۵، شماره ۱: ۶۰-۷۹.
۳. آشوری، داریوش (۱۳۹۴)، *دانشنامه سیاسی؛ فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی*، تهران: مروارید، چاپ هشتم
۴. آفابخشی، علی (۱۳۷۴)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.

۵. ابن سینا (۱۳۵۹)، *النفس من کتاب الشفا*، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
۶. ابن سینا (۱۳۷۹)، *النجاه*، ویرایش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۷. ابن منظور (۱۴۰۸ هـ. ق)، *لسان‌العرب*، ج ۱۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۸. احمدیان، حسن (۱۳۹۱)، «گذر مصر از رژیم اقتدارگرا؛ عوامل و زمینه‌ها»، روابط خارجی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، سال چهارم، شماره اول، صص ۱۹۱-۲۱۸.
۹. استیل، برنت جی (۱۳۹۲)، امنیت هستی‌شناختی در روابط بین‌الملل، ترجمه: سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، فرزاد رستمی و محمدعلی قاسمی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۰. اسدی، علی و غلامی، طهمورث (۱۳۹۰)، «واکاوی بنیادگرایی اسلامی در خاورمیانه»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال ۲۵، شماره ۲۸۳، صص ۴۶-۴۷.
۱۱. افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، «جامعه‌شناسی سیاسی بیداری اسلامی در خاورمیانه»، *مجموعه مقالات بیداری اسلامی در نظر و عمل*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۱۲. امام خمینی (۱۳۷۶)، *ولایت فقیه حکومت اسلامی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم.
۱۳. بشیر، حسن (۱۳۹۲)، *مبانی نظری بیداری اسلامی از نگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.
۱۴. پورسعید، فرزاد (۱۳۹۲)، *بیداری اسلامی در جهان عرب؛ مطالعات نظری و موردی*، تهران: مطالعات راهبردی، چاپ دوم.
۱۵. تیممی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰)، *شرح غررالحکم و دررالکلم*، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی‌ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. توکلی، سعید (۱۳۸۱)، «قاعده لاضرر و قاعده تسلیط در نظام حقوقی ایران»، *دادرسی*، شماره ۳۵، صص ۴۱-۴۵.
۱۷. جعفری، محمدتقی (۱۳۹۰)، *حقوق جهانی بشر: تحقیق و تطبیق در دو نظام اسلام و غرب*، تهران: مؤسسه نشر آثار علامه جعفری.
۱۸. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، *رحیق مختم*، ج ۱، قم: نشر اسراء.
۱۹. جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۶۶)، *کرامت در قرآن*، تهران: نشر رجاء، چاپ اول.
۲۰. خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۹۱)، «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۹، شماره ۲۸، صص ۹۵-۱۱۰.
۲۱. دشتی، محمد (۱۳۸۴)، *ترجمه نهج‌البلاغه*، قم: گلستان ادب، چاپ اول.
۲۲. دکمیجان، هرایر (۱۳۷۷)، *اسلام در انقلاب: جنبش‌های اسلامی در رژیم‌های عرب*، ترجمه: حمید احمدی، تهران: نشر کیهان، چاپ سوم.

۲۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران، چاپ اول
۲۴. دهشیار، حسین (۱۳۹۰)، «جهان عرب، بنیادهای داخلی و بین‌المللی»، *اطلاعات سیاسی و اقتصادی*، سال ۲۵، شماره ۲۸۴، صص ۴-۱۷.
۲۵. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۸)، «امنیت هستی‌شناختی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی. سال اول. شماره اول، صص ۷۶-۴۱.
۲۶. ذاکریان، مهدی (۱۳۸۲) حقوق بشر و خاورمیانه، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، چاپ اول
۲۷. روزنامه ایران (۹۰/۱/۲۵)، «خاندان مبارک پشت میله‌های زندان»، شماره ۴۷۶۶، ص ۶، به نقل از روزنامه الأهرام مصر.
۲۸. سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۸۸)، «موانع عدم پیشبرد دموکراسی‌سازی در شیخ‌نشین‌های خلیج فارس»، *مطالعات خاورمیانه*، سال ۱۶، شماره ۳ و ۴، صص ۵-۳۲.
۲۹. شیرودی، مرتضی (۱۳۸۸)، «انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تأثیرگذاری و نمونه‌ها)»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۵، شماره ۱۶، صص ۴۲-۱۱.
۳۰. صانعی‌پور، محمود (۱۳۷۶)، «اصول و مبانی کرامت انسانی»، *تدبیر*، شماره ۷۵.
۳۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰)، *تفسیرالمیزان*، تهران: نشر رجا.
۳۲. عارفی، محمداکرم (۱۳۷۹)، *جنبش اسلامی پاکستان*، قم: بوستان کتاب، چاپ اول.
۳۳. عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، *حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین*، تهران: دادگستر، چاپ اول
۳۴. قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۶۱)، *قاموس قرآن*، جلد ۳ و ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۳۵. قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۹)، «کالبدشکافی مسأله هویت در خاورمیانه» خاورمیانه پژوهی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، جلد سوم.
۳۶. کلینی، محمد، *اصول کافی* (۱۳۹۰)، ترجمه: صادق حسن‌زاده، چاپ پنجم، تهران: نشر قائم آل محمد.
۳۷. کوچه مشکی، وحید (۸۹/۱۰/۲۸) «فرار به سبک تونس»، *روزنامه رسالت*، شماره ۷۱۸۳، ص ۸.
۳۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نی، چاپ ششم.
۳۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵)، *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه: ناصر موفقیان. چاپ چهارم، تهران: نی.
۴۰. لوئیس، برنارد (۱۳۸۴)، *مشکل از کجا آغاز شد؟ تأثیر غرب و واکنش خاورمیانه*، ترجمه: شهریار خواجهیان، تهران: اختران، چاپ اول.
۴۱. مجلسی، محمدباقرین، محمدتقی (۱۳۸۶) *بحارالانوار*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۴۲. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱) *درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی*، تهران: پژوهشکده امام خمینی.
۴۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۳)، *عدل الهی*، تهران: نشر صدرا.
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، *ده گفتار*، تهران: نشر صدرا.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر*، چاپ ۲۵، تهران: نشر صدرا.
۴۶. معین، محمد (۱۳۷۵)، *فرهنگ معین*، تهران: امیر کبیر، چاپ نهم.
۴۷. معین، محمد (۱۳۷۷)، *فرهنگ معین*، تهران: امیر کبیر، چاپ دوازدهم.
۴۸. ملاصدرا (۱۳۶۸)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*، قم: طلیعه نور.
۴۹. وهاب‌پور، پیمان و نقدی، جعفر (۱۳۹۰) «واکاوی تئوریک دیدگاه‌های مقام معظم رهبری درباره تحولات منطقه شمال آفریقا»، *بصائر*، سال ۲۸، شماره ۳۰۷، صص ۴-۱۱.
۵۰. نیاکوئی، سیدامیر، (۱۳۹۰)، «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا»؛ ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت، *روابط خارجی*، سال ۳، شماره ۴، صص: ۲۷۶-۲۳۹.
۵۱. یزدی، حسین (۱۳۷۹)، *آزادی در نگاه شهید مطهری*، تهران: صدرا، چاپ اول.
۵۲. یوسف‌احمد، احمد (۱۳۸۰)، «جهان عرب در ابتدای قرن بیست و یکم»، ترجمه: محمود موسوی بجنوردی، *مطالعات خاورمیانه*، سال ۸، شماره ۳، صص ۱۱۳-۱۳۴.
۵۳. یوسفی، محمد (۱۳۸۶)، *اصلاحات سیاسی در عربستان سعودی*، تهران: ابرار معاصر، چاپ اول.

ب- لاتین

54. Anderson, Lisa (2011), *Demystifying the Arab Spring: Parsing the Differences between Tunisia, Egypt and Libya*, *Foreign Affairs*, 90, 30.
55. Aneja, Atul, (2011), "Protest Movements in West Asia: Some Impressions, *Strategic Analysis*, N. 35, 4, July.
56. Goldstone, Jack A (2011), "Understanding the Revolution of 2011: Weakness and Resilience in Middle Eastern Autocracies", *Foreign Affairs*, May/June.
57. Global Gender Gap Report. 2010
58. Hamdy A. Hassan, (2011), *Civil Society in Egypt under the Mubarak Regime*, *Afro Asian Journal of Social Sciences*, Vol.2, No. 22.
59. HRw(Human Rights Watch)(2012)"Voices from Tahrir: Bread Freedom, Dignity. 25 January. www.hrw.org/audio/2012/01/25/Voices-Tahrir-Bread-Freedom-Dignity.
60. International Labour Organization (ILO). 2011. *Youth Unemployment in the Arab World Is a Major Cause for Rebellion*.

61. Mitzen, Jennifer (2006), "Anchoring Europe's Civilizing Identity: Habits, Capabilities and Ontological security", *Journal of European Public Policy*, Volume 13, Issue 2.
62. Oweiss Ibrahim M, (1988), ((Egypt Economy: the Pressing Issues,
63. Economy) <http://faculty.georgetown.edu/imo3/epe/epe.htm>.
64. Population Council, Survey of Young People in Egypt ,Cairo: Population Council, December 2010.
65. www.aljazeera.com
66. www.prb.org/Articles/۲۰۱۱/youth-egypt-revolt.aspx.
67. www.popcouncil.org/projects/۲۳۴_surveyyoungpeopleegypt.asp
68. www.irna.ir/fa/news/1999380

۶۹. بیانات به مناسبت میلاد حضرت علی(ع) (۱۳۸۷/۴/۶) و دیدار با مسئولان نظام در عید مبعث (۱۳۹۰/۴/۹) قابل دسترسی در: www.leader.ir